

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۱۲ - ۱۲۶

بررسی ماهیت سلفی گری و وهابیت

رضا آبار^۱

سُهیلا غفران کارگری^۲

زهرا آبار^۳

مریم هوشیار طالعی^۴

چکیده

تحولات بیداری اسلامی و رقابت‌های منطقه‌ای موجب نگرانی برخی کشورهای غربی و عرب منطقه بویژه جریان‌های سلفی گردیده است. در میان اهل تسنن جهان، سلفی‌ها به یکی از جریان‌های مهم مذهبی و سیاسی تبدیل شده‌اند. اندیشه سلفی در جهان معاصر نشأت گرفته از آموزه‌های وهابی است و به عبارت دیگر، برای شناخت ماهیت وهابیت نخست باید سلفی‌گری و حدود آن را شناخت. این جریان سیاسی و مذهبی در طول تاریخ گذشته، فراز و فرودهایی داشته و حتی در برخی موارد هم سرکوب هم شده است. با این حال، با تلاش‌های این گروه و

۱. کارشناسی ارشد، رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شهر زابل، استان سیستان و بلوچستان، ایران، طبله سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تبلیغ اسلامی، معلم آموزش و پرورش، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

Reza.abar@۱۳۶۶gmil.com

۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی شهر زابل، استان سیستان و بلوچستان، ایران، فعال فرهنگی و آموزگار،

Reza.abar@۱۳۶۶gmil.com

۳. دانشجوی مقطع کارشناسی، رشته آموزگار ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهر زاهدان، استان سیستان و بلوچستان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

zahraadabi۳۳۵@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، و دانشجوی ارشد، رشته نهج البلاغه، دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)، شهر قم، استان

قم، ایران، فعال فرهنگی و دبیر متوسطه دوم زبان فارسی،

panjtanealeaba۵@gmail.com

حمایت‌های دولت سعودی، نفوذ گسترده‌ای پیدا کرده و به دنبال سیطره بر جهان اسلام است. در این مقاله، سلفی‌گری و مسیر تاریخی و جریان‌های وابسته به آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه: سلفی‌گری، ابن تیمیه، ابن قیم، سلف، وهابیت، آل سعود.

مقدمه

جهان اسلام در دوره معاصر شرایط جدیدی را تجربه می‌کند که برآیند تحولات درونی و بیرونی سرزمین‌های اسلامی است که از اندیشه‌های رادیکال اسلام و خشونت‌های معطوف به آن رنج می‌برد که باعث اسلام‌هراسی شده است. لذا بحث در باره ماهیت سلفی‌گری را باید از مفاهیم مرتبط با آن آغاز کرد. در این ماهیت سلف از مفاهیمی است که توسط مکتب سلفی‌گری مصادره شده است و در ماهیت آن انحراف پیدا شده است، هر چند نقطه آغازین سلفی‌گری به عصر ابن تیمیه باز می‌گردد اما در طول قرون مختلف با تحولات بسیاری رو به رو بوده است و برخی دایره مکتب سلفی را به صدر اسلام بر می‌گردانند، در حالی که با مراجعه به کتب ملل و نحل و مذاهب می‌توان به این نتیجه رسید که تا ظهور ابن تیمیه (متوفی ۷۲۸ ق.) مکتبی به نام سلفی در تاریخ وجود نداشته است و ایشان مؤسس مکتب سلفیه است؛ اما از آن جهت که برداشت‌ها و تفاسیر جدید خود را به نام سلف (پیشینیان) مطرح کرده است، برای بسیاری از اهل سنت این امر موجب اشتباه گشته و فکر می‌کنند سلفی‌گری که ابن تیمیه و طرفداران وی ادعا می‌کنند، ریشه در صدر اسلام داشته است. سلفی‌ها و پیروان این مکتب، خود را حدیث‌گرا و از اصحاب حدیث می‌دانند و وانمود می‌کنند که بیشترین شباهت را به سنت حضرت رسول اکرم (ص) دارا هستند.

۱. سلف در لغت و اصطلاح

لفظ سلف در بحث‌های سلفی‌گری نقشی کلیدی دارد و آشنایی با این مفهوم ضروری است (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹ ش.، سلفی‌گری، ج ۱، ص ۲۹). سلف در لغت به معنی پیشین است. به گفته ابن فارس، سلف اصلی است که بر تقدم و سبقت دلالت دارد. پس سلف کسانی هستند که در گذشته بوده‌اند، و ما نسبت به آیندگان، «سلف» و نسبت به گذشتگان «خلف» شمرده می‌شویم. معنی متداول سلف نزد عامه مسلمانان، همان معنایی است که از ظاهر

این لفظ استفاده می‌شود و هنگامی که صالح به آن اضافه گردد (سلف صالح)، به معنی گذشتگانی است که برای آیندگان مایه افتخار و سربلندی بوده‌اند. (احمد بن فارس، ج ۳، ص ۹۵).

معنی اصطلاحی سلف، در بدعتی ریشه دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم ایجاد کرد و در معنایی کلمه سلف را به کار برد که تا آن زمان، دانشمندان اسلامی چنین معنایی را ارائه نکرده بودند و بقیه سلفیان بعد از او، گسترش منابع تشریح به صحابه، تابعین و تابعین تابعین بوده است. به گفته‌ی ابن تیمیه: «سلف کسانی هستند که در سه قرن بهتر اسلام زندگی می‌کردند و دارای تمامی فضایل بودند و آنان برای حل هر مشکلی، شایسته‌تر از سایرین هستند». وی تا جایی پیش می‌رود که می‌گوید احکام الهی از سه راه ثابت می‌شود: کتاب خدا، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آنچه نخستین مسلمانان به آن عمل کرده‌اند؛ و تمسک به غیر از این اصول سه‌گانه برای اثبات احکام شرعی، جایز نمی‌باشد. (احمد بن عبد الحلیم، ابن تیمیه، ج ۲، ص ۷۰۳).

۲. سلفی‌گری

دیدگاه سلفیان در باره سلف، سبب شده که مذهب جدیدی با نام سلفی‌گری در قرون اخیر شکل گیرد. از نظر تاریخی، هر چند برخی از رگه‌های اندیشه‌ی سلفی‌گری در قرن چهارم شکل گرفت، اما به دلیل تعارض با اندیشه‌ی مسلمانان، در مدتی کوتاه خاموش شد. البته با مراجعه به تاریخ، شکل‌گیری اصحاب حدیث و سلفی‌گری ظهور پیدا کرد.

اصحاب حدیث، در شهرهای مدینه، شام و بصره شکل گرفت و گسترش یافت. در مقابل این گروه، «اصحاب رأی» در کوفه و مکه قرار داشتند. این تفکر، اصحاب حدیث، در قرن اول و دوم در مدینه رواج داشت. اثرگرایی (حدیث‌گرایی) مالک بن انس و اساتیدش در مقابل رأی‌گرایی ابوحنیفه و اساتیدش باعث اختلافات فراوانی در فهم اسلام شد. اما در قرن سوم و چهارم این گروه ملقب به «اصحاب حدیث» شدند. با ظهور شافعی و گرایش ایشان به حدیث، مضیق کردن مفهوم سنت به قول، فعل و تقریر پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام گرفت.

در قرن هشتم فردی به عنوان ابن تیمیه از دل اصحاب حدیث ظهور کرد و با تأسیس مکتبی به نام سلفیه، جریان‌های هم‌عرض اصحاب حدیث ایجاد کرد که حدود هفتاد درصد از افکار و اندیشه‌های وی با اصحاب حدیث مشترک است و حدود سی درصد هم برداشت‌ها و تفاسیر اشتباه خود ابن تیمیه است و آتش اختلاف را در میان جهان اسلام شعله‌ور ساخت.

پس از وی، شاگردش ابن قیم برای زنده نگه داشتن این اندیشه، بسیار کوشید، اما وی نیز کاری از پیش نبرد. در قرن دوازدهم، جریان‌های سلفی‌گری در نجد و حجاز و شبه قاره، با تفاوت‌هایی آغاز شد که به دلیل حمایت‌های انگلستان به ویژه در نجد و حجاز، توانست رشد کند و امروزه جریان سلفی‌گری به اهرمی در دست آمریکا برای پیشبرد هدف‌های خود در کشورهای اسلامی تبدیل شده است. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹ ش.، سلفی‌گری، ج ۱، ص ۲۰۲).

مهمترین ویژگی این گروه، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه و تفکر از گذشتگان است. سلفیان در حالی مسلمانان را به کنار گذاشتن مذاهب خود دعوت می‌کنند که خود مذهب جدیدی به نام سلفی‌گری ایجاد کرده‌اند؛ بدعتی که هیچ پیشینه‌ای در میان مذاهب اسلامی ندارد، مذهبی گرفتار جمود و تنگ‌نظری که اسلام را به صورت دینی بی‌تحرك، ناقص و بی‌جاذبه تصویر می‌کند.

۳. بررسی سلف در آیات

در منابع دینی، «سلف» هرگز به معنی اصطلاحی سلفیان، استفاده نشده است و به ندرت کاربرد دارد. برای نمونه، واژه سلف در قرآن چند بار آمده که تنها در یک مورد به معنی گذشتگان است، در حالی که در معنی نفی به کار رفته است:

«فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلْفًا وَ مَثَلًا لِلْآخِرِينَ (زخرف: ۵۵ و ۵۶)؛

اما هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم.»

در آیات دیگر، واژه‌ی سلف و مشتقات آن، بیشتر به معنی اعمال ناپسندی است که پیش از اسلام انجام می شدند و پس از آن تحریم شده اند؛ مانند: آیه ۲۳ سوره نساء، ۳۸ سوره انفال و ۲۷۲ سوره بقره.

همچنین برای اثبات سلف تمسک به روایات خیر القرون و انشعاب امت به ۷۲ فرقه بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شوند که اسناد روایات جای بسی تأمل دارد.

۴. نقش ابن قیّم در سلفی گری

ابن قیّم برای مشروعیت بخشی به مذهب سلفی گری، به آیه شریفه زیر استدلال کرده است:

«وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (توبه/۱۰۰)؛

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغ هایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ!»

به گفته ابن قیّم، این آیه مسلمانان را به پیروی از نخستین گروندگان به اسلام از مهاجرین و انصار دعوت کرده است. (ابن قیّم، ج ۵، ص ۵۵۶). اما وی دقت نکرده که مراد از پیروی از نخستین گروندگان به اسلام، پیروی در امری است که در آن سبقت گرفته اند و آن چیزی جز ایمان به خدا و رسول او و اطاعت از آنها نیست؛ و هرگز مراد آیه، پیروی از دیدگاه شخصی و فردی آنها نیست.

پس اگر صحابه، تابعین و تابعین تابعین به آنچه خدا و رسول (ص) دستور داده اند دعوت کنند، در حقیقت به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعوت کرده اند، اما اگر سخنانشان از جانب خود آنان باشد، به شهادت قرآن، محکوم به بطلان و گمراهی است. اگر این آیه دلیل بر حجیت سنت صحابه باشد، در عمل موجب تناقض می شود، چون خود سلف در انبوهی از مسائل، از گذشتگان پیروی نکرده اند و حتی به صراحت مخالفت کرده اند. این اختلاف، در میان خود صحابه نیز بوده است به گفته مرحوم حکیم: «هنگامی که در روز شورا سیره شیخین بر امام علی

علیه السلام عرضه شد، ایشان پیروی از آنان را نپذیرفت؛ اما در مقام عمل در بسیاری از امور با سیره شیخین مخالفت ورزید. عثمان روشی شاهانه برگزید و خلافت را به پادشاهی تبدیل کرد.

امام علی علیه السلام در ایام خلافتش، با شیوه و روش خلیفه‌ی سوم مخالفت ورزید و مسائلی از قبیل توزیع اموال و مناصب و یا روش حکومت را متحول کرد. حتی خلیفه‌ی اول و دوم نیز از نظر سیره با یکدیگر متفاوت بودند. ابوبکر در تقسیم خراج، تساوی را رعایت می کرد؛ در حالی که خلیفه‌ی دوم قائل به تفاوت بود.

ابوبکر طلاق سه گانه را در یک مجلس، طلاق واحد می شمرد و عمر آن را سه بار قلمداد کرد. عمر مُتَعَتِّین (متعهی حیح و متعهی نساء) را حرام کرد؛ در حالی که خلیفه‌ی اول چنین نکرد؛ و نظایر چنین وضعیتی بیشتر از آن است که قابل شمارش باشد.

به همین سبب ابوحامد غزالی می گوید: آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله به ما رسید، آن را به سر و دیده گرفتیم؛ آنچه از صحابه رسید، بعضی گرفتیم و بعضی نهادیم و اما آنچه از تابعین رسید، بدانید که ایشان مردانند و ما مردانیم.

این در حالی است که برخی آیات، نشانگر بهتر بودن آیندگان از برخی گذشتگان (سلف) هستند مانند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، (مائده: ۵۴)»

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از دینش برگردد (زیانی به خدا نمی رساند). خداوند جمعیتی را می آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.»

مکاتب و مذاهبی همچون اصحاب رأی، معتزله، اشاعره و ماتریدیه با تمام احترامی که به سلف می گذارند، اما کمتر به فهم سلف اهمیت می دهند و حجیت چندانی برای فهم سلف قائل نیستند، اما مکاتب و مذاهبی همچون اصحاب اثر، اصحاب حدیث و سلفی ها، به فهم سلف و حتی فتاوی صحابه اهمیت می دادند. احمد بن حنبل اگر پاسخ مسأله ای را در قرآن، سنت و اجماع صحابه نمی یافت، سراغ فتاوی صحابه می رفت و اگر در فتاوی صحابه نمی یافت، به فتاوی تابعین و حتی استادش شافعی توجه می کرد و بر اساس آن فتوا می داد و از دادن فتوا جدید احتراز می کرد. بنابراین به نتیجه می رسیم که اکثر اهل سنت، اگرچه برای سلف ارزش فراوانی قائل اند، اما فهم آنها را فهم برتر نمی دانند و فهمی با بن مایه های عقلی را فهم برتر می دانند.

ابن تیمیه به این حدیث تمسک می کنند، که چهار بار در صحیح بخاری آمده است:

«خَيْرُ الْقَرْنِ، قَرْنِي ثُمَّ يَلُونِي ثُمَّ يَلُونِي». (بخاری، ۱۴۱۴ق. ج ۱، ص ۶۴۵)؛

بهترین قرن، قرنی است که من در آن زندگی می کنم؛ سپس در رتبه بعد، قرن بعد از آن، و همین طور قرن های بعدی».

این حدیث، بهترین قرن را قرن اول، سپس قرن سوم دانسته است و گفته هرکس معتقد باشد که فهم سلف از فهم خلف برتر است، سلفی است و مکتبش، مکتب سلفیه است. منظور ابن تیمیه از خلف، اشاعره، ماتریدیه، فلاسفه، عرفا و متکلمان بودند که از نظر ابن تیمیه فهم باطلی از دین دارند. دعوی ابن تیمیه، دعوی درون مذهبی و در مقابل با مذاهب کلامی خود اهل سنت، به ویژه اشاعره بود و در پی ترجیح اندیشه های اصحاب حدیث بر اشاعره بود و برخی اجتهادات جدید بر اصحاب حدیث اضافه کرد.

به نظر او سلف بهتر از دیگران اسلام را فهمیده اند؛ زیرا آنها با پیامبر (ص) زندگی کرده اند، یا با کسانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله زیسته اند معاشرت داشته اند.

یوسف قرضاوی با اینکه مدافع جدی ابن تیمیه است، به نکته ای اشاره می کند که تمام استدلال ابن تیمیه را متلاشی می کند و می گوید: اکثر سلف در بسیاری از موارد می گفتند ما معنای این آیه را نمی دانیم و معنای آن را به خدا

واگذار می کنیم. حال پرسش این است که اگر معنای آیه ای را نمی داند، چگونه می تواند فهمش از همه برتر باشد. این تیمیه سه برداشت و تفسیر جدید، اما غلط از مفاهیم دینی داشت که هر سه موضوع باعث تحریم عده ای شده و مسلمانان را به کفر و شرک متهم کرده اند و هزینه های زیادی به جهان اسلام تحمیل می کنند که عبارتند از:

۱- تغییر در مفهوم سلف و مقید کردن آن به سه نسل اول؛

۲- توسعه در مفهوم عبادت و مشرک دانستن همه مسلمانان؛

۳- تغییر در مفهوم و معنای اجتهاد نزد اهل سنت و حرام دانستن تقلید از ائمه اربعه که باعث شده است افرادی مثل زرقاوی و ابوبکر البغدادی خود را مجتهد مطلق بدانند.

۶. نقد حدیث خیره

این حدیث علاوه بر مشکلات سندی، با واقعیت های تاریخی نیز تعارض دارد و حوادث تلخ قرون سه گانه، با مفاد این حدیث که این سه قرن را از قرون بعدی به صورت مطلق بهتر می شمارد، مغایرت دارد که شامل:

یکم: اگر مراد از برتری، برتری در حوزه ای امنیت یا آرامش جهان اسلام باشد، به گواهی تاریخ، قرن اول سرشار از حوادث تلخ و جنایت بار است. حوادثی همچون قتل عثمان در برابر چشمان مهاجر و انصار، جنگ های جمل، صفین و نهروان که در هر یک از آنها صحابه در برابر امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمشیر زدند، شهادت امام علی علیه السلام، فجایع خونبار کربلا، واقعه ای تلخ حرّه که بیش از ده ها هزار نفر کشته شدند؛ چگونه می تواند بهترین قرن ها باشد؟! (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹ش،، سلفی گری، ج ۲، ص ۲۳۳).

دوم: اگر مراد از برتری، برتری افراد این عصر هست در میان صحابه، تابعین و تابعین تابعین افرادی دیده می شوند که قرآن به عدم شایستگی آنان شهادت داده است. منافقان، قلب های بیمار، مسلمانان بدون ایمان و فاسق.

سوم: اگر برتری در زمینه عقاید است، فاسدترین مکاتب کلامی در قرن اول پدیدار شدند: اندیشه خوارج (تلازم میان ایمان و عمل) خون و مال مسلمانان را مباح شمرد و مذاهب انحرافی کرامیه، کلابیه، و جهمیه پدیدار شدند که اعتقادات آنان بسیار زنده است.

سلفیان می کوشند تا با مشروعیت بخشیدن به سلف، همه‌ی اعمال و رفتار آنان و سیره‌ی ایشان را الگوی عصر حاضر قرار دهند، در حالی که در مسائل اجتماعی زندگی صحابه، تابعین و تابعینِ تابعین در همان نیمه نخستین قرن اول تغییرات بنیادینی در آن به وجود آمد. در مکه، بیشترین مسلمانان با لباس دوخته آشنا نبودند، اما در مدینه با آن آشنا شدند و حله‌های غیرعربی فاخر بر تن کردند و بر اثر فتوحات و ارتباط با ملت‌ها، انواع خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در میانشان رایج شد، در ساخت خانه‌هایشان از مصالح دیگر استفاده کردند.

در حوزه اعتقادی موجب عقل‌گرایی، و توجه به استدلال و مباحثه‌های علمی شد و در نتیجه، اختلاف دیدگاه‌ها و قرائت‌های مختلف به وجود آمد، کتاب «الاسماء و الصفات» احمد بن حسین بیهقی پر از مناظره‌ها و استدلال‌های منطقی است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است.

در حوزه سیاست در حالی که به ادعای اهل سنت پیامبر صلی الله علیه و آله زمام امور مسلمانان را به خود آنان وا گذاشت تا ایشان خود برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند، خلیفه اول، به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله عمل نکرده، اختیار خلافت را به خود مردم نگذاشت و عمر را به جای خود برگزید. عمر نیز هنگام مرگ، شورائی برای انتخاب خلیفه مشخص نمود، معاویه از راه استیلا و غلبه به قدرت رسیده و پس از وی نیز قدرت به صورت مورثی به افراد آینده واگذر گشت. بنابراین چگونه آیندگان از آنان تقلید کنند، در حالی که خود به چنین امری تن در نداده‌اند؟

۷. مبانی اعتقادی ابن تیمیه

ابن تیمیه در بحث توکل می گوید فقط باید بر خدا توکل کرد و صرفاً به خاطر دیگران را دوست داشت و هر نوع دوست داشتن دیگران به هر معنائی کفر و شرک هست و منافی توحید الوهی است؛ هر چند والدین، فرزند یا همسر انسان باشد.

او در بحث توصیف خداوند، اعتقاد جسمانی و مادی دارد، می گوید: خداوند دارای سیمای جوان زیبا با موی فررفری و گندمگون با کفشهای زردگون دارای اعضا و جوارح بدون ریش و اورتون و طحال و کبد است! گاهی سوار بر الاغ می شود و صندلی ارش تکیه زده و شب های جمعه به آسمان دنیا می آید، گاهی متعدد هستند و در خواب قابل دیدن است! در قیامت سوار بر الاغ وارد محشر می شود، با ساق پای عریانش قابل شناخت است (به نقل از صحیح مسلم). تعداد کامل بهشتیان را نمی داند و جهنم رفتن انسان ها سیر نمی شود! خداوند گاهی با انگشتان سرد، کتف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فشار می دهد.

کاروانی اگر گفتند به قصد قبر پیامبر می رویم آنها مشترک هستند، اگر کسی همسایه مسجد باشد و به دلیل اشتغال یا امر دیگری نماز جماعتش را به جا نیاورد باید توبه کند و گرنه قتل او واجب است. (رک: الفتاوی الکبری، ج ۱).

۸. تفکر سلفیه بعد از ابن تیمیه

از آن جایی که ابن قیم شانزده سال شاگرد ابن تیمیه بوده است به استناد فتوای ابن تیمیه، توسل و شفاعت به انبیا را حرام و مجرد زیارت قبر پیامبر (ص) را شرعی ندانسته است.

شاگردان ابن قیم مثل ابن کنیر شافعی و ابن رجب حنبلی مخالف افکار وی و ابن تیمیه در باره توسل و زیارت قبور بودند. همچنین ابن قیم تقید به مذاهب چهارگانه را مذمت می کرد. ایشان سفر برای زیارت قبر حضرت ابراهیم علیه السلام را حرام شمرده به همین دلیل مدتی زندانی شد. بار دیگر با تکرار این اندیشه شلاق خورد و نیز در شهر گردانیده شد. بسیاری از آثار او در بیان ابن تیمیه است. او اولین کسی است که به جزیه گرفتن از مسلمانان را حکم داد.

۹. احیای سلفی گری از قرن دوازده به بعد

از قرن دوازده به بعد سه نفر سلفیت را زنده کردند: ۱- محمد بن عبدالوهاب عربستان، ۲- ابن‌الأمیر صنعانی در یمن، ۳- شاه ولی الله دهلوی در هند.

از دل تفکرات محمد بن عبدالوهاب، وهابیت تکفیری و بر اثر اندیشه‌های ابن‌الامیر صنعانی، سلفیه زبیده اعتدالی و از درون عقاید شاه ولی الله دهلوی، مکتب سلفی، صوفی دیوبندیه و سازمان جماعه التبلیغ بیرون آمد. در شمال آفریقا نیز سیدمحمد رشیدرضا گرایش به سلفیت را ایجاد کرد. وهابیت توسط محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازده با همکاری آل سعود شکل گرفت. آنها به بهانه بازگشت به تفکر سلف و به قول خودشان احیای دین خدا و پیراستن آن از شرک‌ها و بدعت‌ها عموم مسلمانان را تکفیر نموده، خون آنها را هدر و مال و نوامیس ایشان را به یغما بردند. (دهلوی، ج ۱، ص ۵۷).

محمد بن عبدالوهاب در کتاب رسائل خود به نام نواقص الاسلام مرتکبین چند مورد را کافر دانست: ۱- شرک در عبادت (ذبح برای غیر خدا)؛ ۲- کسی که شخصی را واسطه شفاعت قرار دهد، کافر است؛ ۳- هرکس جادوگری کند، کافر است؛ ۴- پشت کردن و یاد نگرفتن دین خدا، کفر است.

بعد از رشیدرضا، گسترش ماهیت سلفی گری در مصر، مدیون اخوان المسلمین است. این گروه توسط حسن البنا (۱۹۲۸م.) در اسکندریه تاسیس شد. از دل تفکرات اعتدالی و تقریبی اخوان المسلمین، گرایش افراطی، هجرت و جهان سید قطب بیرون آمد.

۱۰. بازگشت آل سعود و گسترش سلفی گری به خارج جزیره العرب

بعد از شکست وهابیت از پادشاه مصر، از سال ۱۲۲۵ تا ۱۳۱۹ق. خبری از وهابیت نبود. در سال ۱۳۱۹ق. حکومت آل سعود در عربستان و با حمایت انگلستان، و با هدف تضعیف حکومت امپراتوری عثمانی و حدود هجده سال قبل از جنگ جهانی اول، شکل گرفت. حکومت آل سعود می خواست خلأ قدرت جهان عرب را پر کند. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹ش.، سلفی گری، ج ۱، ص ۳۲۱).

زمانی که ملک سعود به پادشاهی رسید، به مفتی اعظم عربستان، یعنی شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ، شکایت کرد که آسیب هایی، دین را تهدید می کند و با کمبود عالمان دین مواجه هستیم. به همین دلیل دانشگاه الجامع الاسلامیه در مدینه تأسیس شد. همزمان با روی کار آمدن ملک فیصل، در سال ۱۳۸۴ق. و بالا رفتن قیمت نفت، ترویج سلفیت قوت فراوانی گرفت. وهابیت در این دوره، مورد حمایت کشورهای اسلامی نبود و فقط در مقابل کمک های عربستان، با حضور مراکز وهابیت در این کشورها موافقت شد. (دهلان، ۱۳۷۸ش.، سرگذشت وهابیت، ص ۱۸۰).

ملک فیصل اعلام کرد که خانواده سعودی قبل از اینکه بخواهد خانواده برای پادشاهی باشند، یک خانواده مبلغ هستند. حرکت تبلیغی خود را بر محور تبعیت از کتاب و سنت و اتحاد همه مسلمانان در سایه اسلام بیان می کرد. فیصل با همکاری ایران، مغرب، مراکش و غیره سازمان کنفرانس اسلامی را تأسیس کرد.

در سال ۱۹۶۲ م، در کنفرانس مکه گسترده ترین مجموعه چند منظوره اسلامی که در طول پنجاه سال فعالیت آن نقش اساسی در ترویج سلفیه داشت، به نام رابطه العالم الاسلامی تأسیس شد. بر اساس گزارشی در سال ۱۴۱۹ق. ۱۲۰۰ مؤسسه اسلامی در سطح جهان توسط عربستان ایجاد شده و تربیت طلاب علوم دینی با گرایش سلفی گری، در سه دانشگاه بزرگ عربستان صورت می گیرد. (همان).

۱۱. عوامل گسترش اندیشه های سلفی

بر اثر عوامل و شرایط زمان های مختلف اندیشه های سلفی فراز و فرود داشته است می توان از علل زیر به عنوان مهمترین عوامل یاد کرد:

۱- انقلاب در کشور الجزایر

الجزایر در شمال آفریقا قرار دارد و مذهبی رسمی آن اسلام بوده و سختی های زیادی در مبارزه با استعمار متحمل شده و به عنوان «ارض ملیون شهید» معروف گشته است. مسلمانان این کشور، راه رهائی از استعمار را مبارزه سرسختانه با استعمار فرانسه می دانستند. سلفیه از مهمترین و قدیمی ترین گروه های اسلامی معاصر در این کشور

است که دارای نفوذ است. روش آنها دعوت به عصیان و خشونت داخلی و شوریدن علیه حاکم غیراسلامی است. تعدادی از گروههای فعال در الجزایر شامل جمعیت علمای مسلمین، جماعت اسلامی، جمعیت ارزش ها، جبهه های نجات اسلامی می باشد که بعد از بحران خلیج فارس و اشغال کویت به سوی سلفی گری و مبارزه سوق داده شدند. (رک: فرمانیان، ۱۳۹۵ش.، سلف از گذشته تا به حال، ص ۳۳۵).

۲- گرسنگی و رنج مردم عراق پس از حضور آمریکا

بعد از حضور آمریکا در عراق، اندیشه های سلفی جهادی در عراق رشد پیدا کرد. آنچه عواطف دیگر مسلمانان را بیشتر خدشه دار کرد، تحریم اقتصادی آمریکا علیه عراق بود که منجر به گرسنگی مردم عراق شد و مردم عراق درخواست کمک می کردند. همه این موارد، موجب تنفر سلفیان از آمریکا و تأیید اندیشه های مسلمانان انقلابی در دهه ۹۰ شد. (همان، ص ۳۴۷).

۳- بوسنی و فجایع غم بار

صرب ها طی یک جنگ سه ساله، از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵م. با حمایت همه جانبه آمریکا هزاران زن و مرد و کودک مسلمان بوسنی را قتل عام کردند تا از شکل گیری یک جمهوری اسلامی جلوگیری کنند به گونه ای که حتی افکار غیرمسلمانان تحت تأثیر قرار گرفت. سلفیان، همیشه و مخصوصاً در این دهه، دنبال بهانه ای برای جهاد مسلحانه بودند که برای اولین بار برای کمک به مسلمانان بوسنی در جنگ به این منطقه وارد شدند و بعد از جنگ فعالیت های خودشان که مبتنی بر برگرداندن مسلمانان به اسلام اصیل است ادامه دادند. (همان، ص ۳۴۸).

۴- بحران چین

اکثریت مردم جمهوری چین، مسلمان و حنفی مذهب بوده و علاقه زیادی به تحصیل علم دارند. جنبش ها و اندیشه های استقلال طلبانه، ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم و سنت های مردمان این منطقه دارد. آنچه موجب وجود بحران و استمرار آن در چین شده، مبارزات مردم چین با روسیه بود و وقتی فهمیدند که تمام تلاش دشمنان برای از بین بردن اسلام است، مدعی شدند که جز زبان زور راه دیگری برای گرفتن حقوق مردم چین وجود

ندارد، که این ادعا خود تحریک دیگری برای انقلابی شدن روحیه مسلمانان خصوصاً سلفیان دهه ۹۰ میلادی بود. (همان، ص ۳۶۰).

نتیجه

برای فهم صحیح از گرایش‌های سلفیه یک بار دیگر، باید چیستی سلفی گری را بازبینی کنیم. از نظر ابن تیمیه که مکتب سلفیه را به وجود آورده، سلفی کسی است که فهم ظاهرگرایی سلف در صفات خبری را بر فهم تعدیل گرای اشاعره برتری بدهد. بنابراین، هر کس این عقیده را داشته و به آن پایبند باشد، سلفی است، اما از جریان سلفیه عصر حاضر فقط وهابیون و افرادی که تفکراتشان به وهابیت نزدیک است، به این عقیده التزام داشته و هیچ یک از جریانهای دیگر سلفی، اعم از اخوان المسلمین، دیوبندیه التزام دقیقی به این تعریف ندارد. برخی از اخوان المسلمین افکار ابن تیمیه در باب قبور را تبلیغ می‌کنند، اما تأویل را هم می‌پذیرند و در فقه به دنبال فقه مقاصدی هستند. هرکس برخی یا تمام عقاید خاص ابن تیمیه در باب توسل، استغاثه، شفاعت، توحید و شرک و احترام به قبور الهی را بپذیرد، متصف به سلفی گری شود. بنابراین، امروزه جهان اسلام گرفتار مشکلی به نام ابن تیمیه است که حلقه وصل و نخ تسبیح تمام گروه‌های به اصطلاح سلفی است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن تیمیه، احمد ابن عبدالحلیم، الفتوی الحمویة الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مصر، وزاره الاوقاف، ۱۴۱۴ش.
۵. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، الهادی، ۱۳۸۰ش.
۶. دهلان، احمدزینی، سرگذشت وهابیت، مترجم ابراهیم وحیددامغانی، تهران، گلستان کوثر، ۱۳۷۸ش.
۷. سبحانی، جعفر، سلفی گری در آئینه تاریخ، انتشارات توحید، ۱۳۹۳ش.

۸. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ ش.
۹. علیزاده موسوی، سید مهدی؛ سلفی گری و وهابیت: تبارشناسی، قم، پاد اندیشه، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. فرمانیان، مهدی و دیگران؛ سلفیه از گذشته تا حال، قم، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. فرمانیان، مهدی، تاریخ سلفی گری، قم، انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل بیت علیم الاسلام، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. هوشنگی، حسین و احمد پاکتچی، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. یعقوبی احمدبن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.